



به یاد زنده یاد استاد فرزانه دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی

آیندگان دوباره تاریخ ایران را بازخوانی کنند

محمود دقایی

کتابدار کتابخانه مرکزی دانشگاه باهنر

این مختصر به یاد و به پاسداشت خاطره استاد ممتاز دانشگاه تهران، نویسنده و ادیب و تاریخ-دان بزرگ ایران دکتر باستانی پاریزی به رشته تحریر درآمده و به واقع ران ملخی است نزد سلیمان بردن.

برای شناخت آن زنده یاد می‌توان ویژگی‌های انحصاری دست نوشته‌های دکتر باستانی پاریزی را در مولفه‌های ذیل جستجو نمود:

۱- احیای کتابهای مربوط به تاریخ کرمان از طریق چاپ مجدد، تصحیح، تحشیه، بازنویسی و نیز تالیف مقالات گوناگون در زمینه تاریخ اجتماعی و مردمی این ناحیه از سرزمین کهن ایران، ایشان در این باب می‌نویسد: «بر اساس آن سوگند که من خوردم که نباشد مقاله‌ای که من در یادواره‌های بنویسم و در سمیناری یا کنگره‌های شرکت کنم، مگر آنکه یادواره به تحقیقی یا به تقریبی به تاریخ کرمان مربوط بوده باشد.»

۲- تلفیق شعر و ادب پر بار فارسی با نثر سنگین و وزین تاریخ نویسان قدیم همراه با استفاده از طنز فاخر و شکوهمند در باب طرح مباحث مهم تاریخی این سرزمین. این ویژگی از دکتر باستانی پاریزی نویسنده‌ای قابل اعتنا ساخت که باعث جذب و جلب خوانندگان بی‌شماری به آثارش گردید.

۳- سالیان متمادی تحقیق و تفحص در تاریخ ایران و متون قدیمی و نیز اسناد و مدارک تاریخی از دکتر باستانی پاریزی شخصیتی ممتاز و ویژه و صاحب نظر در باب مباحث تاریخی و اجتماعی ایران خصوصا ناحیه کرمان ساخته است که ساده

سرزمین را یادآور می‌باشد. ۵- توجه بی‌نظیر و مهم دکتر باستانی پاریزی به تاریخ شفاهی و غیرمکتوب این سرزمین که از طریق نقل سینه به سینه خاطرات و مسائل اجتماعی و تاریخی از افراد مختلف در



نویسی در عین رعایت نکات و روش‌های دقیق تاریخ نگاری از مشخصات آن می‌باشد.

۴- دکتر باستانی پاریزی دارای حافظه‌ای قوی و سرشار از خاطرات بود که یادداشت‌های کوتاه و مفصل ایشان بر کتابهای تاریخی و ادبی موجود در کتابخانه شخصی، و مجموعه‌ای بسیار مهم و با اهمیت از نکات و ویژگی‌های تاریخ اجتماعی و فرهنگ و تمدن مردم ساکن در گوشه و کنار این

یادداشت‌هایی که از گفته‌های آنان برمی‌داشت، بازگو کننده زوایای مبهم تاریخ ایران می‌باشد.

۶- گنجینه بی‌نظیر و بسیار ارزشمند و مهم کتابخانه شخصی دکتر باستانی که مجموعه‌ای از منابع نوشتاری و اسناد و مدارک و عکس و مکتوبات گوناگون می‌باشد در نوع خود بی‌نظیر بوده که در طول عمر پربرکت استاد فراهم آمده است.

۷- از ویژگی‌های اخلاقی آن بزرگوار می‌توان گفت که او ادیب و محقق و مورخی سلیم النفس و خوش خلق بود که به دور از کینه‌ها و بغض‌ها و حسدها و فارغ از هر گونه تنگ‌نظری و کوتاه‌نگری با روش و خصیصه‌ای انسانی که از ویژگی‌های شخصی وی سرچشمه می‌گرفت در طول عمر پربرکت خویش چراغی روشن بر گوشه‌های غبار گرفته تاریخ این کهن سرزمین و بخش مهمی از آن به نام کرمان انداخت.

در نهایت بایستی متذکر شد که نقش و تاثیر دو فرد بر شخصیت و شکل‌گیری روند نویسندگی دکتر باستانی پاریزی فراموش ناشدنی است. اولین آنها مرحوم حاج آخوند پاریزی پدر دکتر و دیگری مرحومه بانو حبیبه حائری همسر ایشان می‌باشد که بارها و بکرات دکتر باستانی پاریزی از تاثیر مهم آنان بر زندگی شخصی خود یاد کرده است. به همراه این مختصر متن نامه‌ای خصوصی که زنده یاد دکتر باستانی پاریزی برای اینجانب ارسال داشته و حاوی برخی از دیدگاه‌های وی می‌باشد، با حذف بندهایی که جنبه خانوادگی دارد تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

پاریزی اگر قصه بسیار شگفت یک قصه نگفت، جز که صد قصه نهفت شب آمد و قصه گو به آرامی خفت و آنکس که شنید گفت، دیدی که چه گفت (از قطعه برای سنگ مزارم دکتر باستانی)

خدمت دوست عزیز بزرگوار جناب آقای محمود دقایی عرض می‌شود. مرقومه لطیف شریف را با همان چشمی که از احوال آن سوال کرده بودید خواندم خدای را شکر می‌گویم که هنوز کم و بیش نامه بر احساس و خوش انشای آن دوست گرامی و قوم و خویش مکرّم را با چشم مسلح بخوانم و جواب تشکر آمیز بنویسم و این منتهای خوشبختی است که آدم در سنین ۸۵ سالگی و روزگاری که دیگر چشم و گوش و زبان و همه سوراخ‌های آدم احتیاج دارند که با یک چیز اضافی کار خود را انجام دهند. باز هم این سوراخ سوزنی که چشم نام گرفته است به کمک همسایه خود می‌تواند میان حرف بد و بد وسط کلمه - یعنی اختیار را از اختیار تشخیص دهد - و این البته به کمک همسایه است.

دیده بیمار است - بینی یار عینک می‌کشد حالا می‌فهمم چرا بعضی‌ها دماغ را - که خداوند در خلق آن از صفت الحسن الخالقین خود استفاده نکرده - بعضی آن را بینی می‌خوانند. ۵۹ سال تدریس کرده‌ام - یگو شخصت سال - اگر سالی سی تا بچه در کلاس‌های من حاضر شده باشند بیش از ۱۸۰۰ تا می‌شود و دو نسل تمام را در بر می‌گیرد و از این جمع از هر صد تن دو تن هم توانسته باشند با چشمی باز به تاریخ ایران بنگرند امروز همانها می‌توانند کنگره تاریخ ایران را تشکیل دهند.

طی هفتاد سال نویسندگی بیش از ۶۵ کتاب و اندکی کمتر از هزار مقاله نوشته‌ام و بعضی از کتابها چاپ دو رقمی دارند به قول آقای نعمت احمدی هم‌شهری با کمال - کتابها عموما پانصد ششصد صفحه کم و بیش دارند. بگو چهارصد تا به طور متوسط. یعنی بیش از بیست و پنج هزار صفحه در هر چاپ غلط گیری کرده‌ام. و چون بعضی آنها مثلا کتاب پیغمبر دزدان ۱۹ بار چاپ شده، رقم‌ها نجومی می‌شود و از میلیون در می‌گذرد و از این ۸۵ سال عمر بیش از ۷۰ سال آن در غلط گیری گذشته است - به کمک همین دو تا سوراخ سوزن که به اندازه یک ته سنجاق قطر ندارند - به قول کرمانی‌ها « اگر آفتابه سسی هم باشد، سوراخ می‌شود »

یک جمله تشنگ فریبده در نامه شما بود. « این چشمان مال شما نیست، بلکه چشمان مردم این سرزمین است برای یافتن کوره راه‌های پرپیچ و خم تاریخ در گذشته‌های غبارآلود. چشم شما و در واقع چشمان شما دوباره نگاه کردن به تاریخ کهن سرزمین ایران انداخته‌اند و جوانان این سرزمین و کرمانیان به بازخوانی تاریخ مردم زجر کشیده



مرحوم حاج آخوند پاریزی، خود ساخته بود و در سر پیری با حسرت می‌خواند:

می دید خطوط ریزه پیش مهتاب

اشیاء جهان نینید الا در خواب

آرزویم این است که بار دیگر در گوشه خانه وسیع و پردرخت شما در کرمان یک چایی داغ با محبت گرم اهل خانه بنوشم و به یاد گذشته روزی سپری کنم. شهریور ۱۳۸۹ - سپتامبر ۲۰۱۰ - باستانی پاریزی

تاریخ ایران اقلا صد تا چشم از نوع چشم وبل دورات می‌خواهد که ما یکی از آنها را هم ننواسته تربیت کنیم و باز کنیم که به این تاریخ کهن با دیده اعتبار بنگرد. به هر حال کمال الجود بذل الموجود است. برآیندگان است و جوانان با همت و درس خوان که کامیوتر هم به کمک آنان آمده تا دوباره تاریخ ایران را بازخوانی کنند و هویت خود را دریابند و چراغ راه آینده باشند. مخلص این نامه را بعد از بازگشت از مطب دکتر جاناناکا که یک طبیب از آفریقای جنوبی در تورنتوست می‌نویسم و به کمک عینکی است که همو داده است، و در پایان عریضه به خاطرمد آمدن شعری که پدرم

کرمان از ظلم اخته فجر چشم دوخته‌اند. (از نامه ۸۹/۵/۲۶)

من بدون اینکه این تعارف را به ریش بگیرم به شوخی عرض می‌کنم. برای تاریخ چند هزار ساله ایران که تاریخ کرمان هم با به پای آن پیش می‌رود. این سوراخ سوزن‌هایی که ما اسمش را چشم گذاشته‌ایم کافی نیست چشمی می‌خواهد از نوع چشم گاو - و هم قدم دیگر آن - و کاری از نوع همان کار که آن دو می‌کنند - یا لاقط چشمی دوربین چون چشم عقاب که ادعا کند:

جنبیدن آن پشه عیان در نظر ماست